



عکس روی جلد از عباس عطاره، مجموعه دروازه غار، ۱۹۶۹م.، سایت مگنوم

فصلنامه تاریخ مردم

شماره دوم و سوم، زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ | ۱۵۰۰۰ تومان

MARDOMNAMEH
A PEOPLE'S HISTORY JOURNAL
NO.2 & 3 - WINTER & SPRING 2017

تاریخ اجتماعی درنگی بر نقش لوطیان عصر قاجاریه؛ سید حسین رضوی خراسانی / تاریخ «حلی آبادها» در ایران (برنامه ریزی از بالا در تقابل با برنامه ریزی از پایین)؛ محمدجواد عبدالمهی / تاریخ فرهنگی مردم هنرو جادو؛ ایوان سانتو؛ ترجمه ژیل پاشایی / صدا و تصویر محذوفین در مطبوعات طنز؛ فرهاد دشتکی نیا / تاریخ فرهنگی در «الجزیره الوثائقیه»؛ سید یاسر قزوینی حائری / تاریخ سیاسی تاریخ سیاسی محیط زیست در ایران (نگاهی به سیاست های محیط زیستی در ایران پیش از انقلاب)؛ مهدی رفعتی پناه مهرآبادی / تاریخ هنرو معماری مردم خانقاه و بقایای معماری مردم؛ سینا سلطانی / مجموعه سید اسماعیل و عرصه های زندگی شهری در تهران قاجاری؛ زینب تمسکی / ادبیات، سینما و تئاتر محمدعلی میرزا حشمت السلطان؛ مترجمی گمنام از عصر مشروطه؛ نیایش پور حسن / نقد و نظر سنت های زیانبار (۲)؛ نقدی بر روش های تدریس و پژوهش در تاریخ؛ علیرضا ملایی توانی / مردم نامه نویسی؛ نظریه و روش تاریخ مردم و فرهنگ عامه؛ الیستر دیویدسن؛ ترجمه رامین صمیمی / تاریخ مردم و تاریخ - اجتماعی؛ لوییزای. تیلی؛ ترجمه محمدجواد عبدالمهی / تاریخ در ترازو در شرایط تقریر اکتونیت ما؛ تاریخ نگاری ایرانی از منظری جامعه شناختی؛ در گفت و گو با ابراهیم توفیق؛ محسن آزموه / کشکول حکایتی از یادگار ایام (۲)؛ روزبه زرین کوب / تلگرام نوشته ها | وقایع اتفاقیه |



@mardomnameh



mardomnameh.com



@mardomnameh



فصلنامه تاریخ مردم

رژ دوم و سوم. زمستان و بهار ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

صاحب نشر: مدیر مسئول داریوش رحمانیان

سر دبیر: داریوش رحمانیان

مشاور سردبیر: محمد واشوی

مدیر: ج. پاشا دارابی

جرابی الهام ملک زاده

دبیر تحریریه: زهرا حاتمی

ویر: افسانه روشن

محسن آزموده، محمد جواد عبداللهی، علی اکبر مسگر، مهدی میرزایی

نظ عمومی و مشترکان شقایق دیلمی

ف. ج. و صحافی شرکت چاپ و نشر بازارگانی

« کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مجله مردمانه است. »

ایمیل: info@mardomnameh.com

صندوق پستی: ۱۷۸۴ - ۱۳۱۴۵

تهران، خیابان انقلاب، روبروی سینما سپیده، شماره ۱۱۷۶، واحد ۴

کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۶۱۵

تلفن: دوازده هزار و هشتاد و شش ۰۸۱۸۹۵۶۶



@mardomnameh



mardomnameh.com



@mardomnameh

فهرست مطالب

سرسخن	۵
بخش نخست	
درنگی بر نقش لوطیان عصر قاجاریه * سید حسین رضوی خراسانی	۸
تاریخ «حلبی‌آبادها» در ایران (برنامه‌ریزی از بالا در تقابل با برنامه‌ریزی از پایین) * محمدجواد عبدالمهی	۱۷
بخش دوم	
هنر و جادو * ایوان سانتو / ترجمه زیلا پاشایی	۳۴
صدا و تصویر محذوفین در مطبوعات طنز * فرهاد دشتکی نیا	۴۴
تاریخ فرهنگی در «الجزیره الوثائقیه» * سید یاسر قزوینی حائری	۵۱
بخش سوم	
تاریخ سیاسی محیط زیست در ایران (نگاهی به سیاست‌های محیط‌زیستی در ایران پیش از انقلاب) * سید علی‌اکبر میرزایی	۶۲
مهدی رفعتی‌پناه مهرآبادی	
بخش چهارم	
خانقاه و بقایای معماری مردم * سینا سلطانی	۸۰
مجموعه سید اسماعیل و عرصه‌های زندگی شهری در تهران قاجاری * زینب تمسکی	۸۷

ادبیات، سینما و تئاتر

محمدعلی میرزا حشمت‌السلطان؛ مترجمی گمنام از عصر مشروطه * نیایش پورحسین ۹۶

نقد و نظر

سنت‌های زینبار (۲)؛ نقدی بر روش‌های تدریس و پژوهش در تاریخ * علیرضا ملایی توانی ۱۰۶

مردم‌نامه‌نویسی: نظریه و روش

تاریخ مردم و فرهنگ عامه * الیستر دیویدسن / ترجمه رامین صمیمی ۱۲۰

تاریخ مردم و تاریخ - اجتماعی * لوییزای. تیلی / ترجمه محمدجواد عبدالهی ۱۴۲

تاریخ در ترازو

در شرایط تقریر اکتونیت ما؛ تاریخ‌نگاری ایرانی از منظری جامعه‌شناختی * درگفت‌وگوبا ابراهیم توفیق؛ محسن آزموه ۱۶۲

کشکول

حکایتی از یادگار ایام (۲) * روزه زرین کوب ۱۷۶

تلگرام نوشته‌ها * ۱۸۷

وقایع اتفاقیه ۲۱۰



سر سخن

پیش از این در سر سخن شماره نخست - به غفلتی که نسبت به «تاریخ مردم» در گفتار و اندیشه تجدّدخواهی ایرانیان در طول یکی دو سده اخیر وجود داشته، اشارتی رفت. اندیشه و آرمان مردم‌نامه‌نویسی بر پایه آگاهی به ضرورت و فوریت زدودن آن غفلت، شکل گرفته است. ما بر این باوریم که مردمی کردن «امر سیاسی» و «امر اقتصادی» و هیچ امر دیگری بدون کوشش در مردمی کردن تاریخ راه به جایی نمی‌برد. تحقق حکومت امر مردم در گرو مردمی کردن تاریخ است. در روزگار جدید، ایران و ایرانی برای ماندگاری و پایداری و پویایی و بالندگی خود چاره‌ای جز نو کردن نامه کهن خویش ندارد. کلان‌روایت‌های سیاست‌زده، دولت‌محور، قهرمان‌باور، نخبه‌گرا و مرکزگرا کار ما را سخت به گره انداخته است. تاریخ مردمان ایران زمین به روشنی گواه کثرت در وحدت و وحدت در کثرت فرهنگ و تمدن ایرانی است. تاریخی رنگارنگ و پرجاذبه و خواندنی که همه مردمان ایران زمین - کرد و لُرو ترک و عرب و گیلک و بلوچ و ... - آن را رقم‌زده‌اند.

مردم‌نامه‌نویسی به جای تاریخ دولت‌محور و سیاست‌زده که تنها به روایت رویدادهای کلان که عمدتاً در مرکز و یا چند شهر بزرگ روی داده‌اند، می‌پردازد؛ به تاریخ اجتماعی و فرهنگی همه مردم در همه جای ایران توجه و تأکید دارد. در روایت مردم‌نامه‌ای، مردم از حاشیه به متن و از پیرامون به کانون می‌آیند. به جای اینکه فرع پنداشته و انگاشته شوند، اصل و اساس می‌شوند؛ نه پیروان و تابعان چشم و گوش بسته و منفعل که عاملان و فاعلانی‌اند که افکار و باورها و خلق و خوی‌شان در ساخته و پرورده شدن بزرگان و سردمداران، اثر قطعی و بنیادی دارد. پس به جای اینکه در جایگاه گله و رمه و رعیت زبان بسته بنشینند، در مقام کسانی قرار می‌گیرند که مسئول و سازنده سرنوشت خویش‌اند. در اندیشه و مرام مردم‌نامه‌ای، قهرمانان و بزرگ‌مردان همچنان برجای می‌مانند و نقش بنیادی‌شان در ساخته شدن تاریخ مورد توجه و تأکید است؛ اما نه به‌عنوان

موجودات قدسی و آسمانی که از فراز ابرها و آسمان‌ها به زمین آمده‌اند که به‌مثابه پدیده‌های زمینی و زمانی (زمینه‌مند و زمانمند و تاریخ‌مند) که برآمده از متن مردم و جامعه و زمانه هستند. قهرمان مردم‌نامه‌ای، زمینی و نامقدس است و نه تنها قابل نقد که فراتر از آن بایسته نقد. حکیم بزرگ توس، روزگاری چنین می‌سرود:

زمان خواهم از کردگار جهان که چندی بماند دلم شادمان
 که این داستان‌ها و چندین سخن گذشته برو سال و گشته کهن
 ز هنگام کی شاه تا یزدگرد ز لفظ من آمد پراکنده گرد
 بپوندم و باغ بی خو کنم سخن‌های شاهنشهان نو کنم ...

او در برابر چالش‌های سهمگینی که هویت و بقا و تداوم ایران و ایرانی را به خطر انداخته بود، به ضرورت و فوریت نو کردن نامه تاریخی کهن ایران و ایرانیان آگاهی ژرفی پیدا کرده بود. قدر و ارج سخن را نیک می‌دانست و در پی آن بود که سخن (گفتار) ایران را نو کند:

به تاریخ شاهان نیاز آمدم به پیش اختر دیرساز آمدم
 کهن گشته این نامه باستان ز گفتار و کردار آن راستان
 همی نو کنم نامه‌ای زین سخن ز گفتار بیدار مرد کهن
 همی نو کنم نامه‌ای زین نشان کجا یادگار است زین سرکشان ...

در روزگار کنونی نیز نو کردن نامه یکی از فوری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای ماست. مردم نامه گامی است در این راه.

در سر سخن شماره نخست سپاسگزاری از پاره‌ای دوستان و همراهان و همکاران فراموش شد. اینجا فرصت مغتنم است تا از زحمات این دوستان صمیمانه سپاسگزاری کنم: زهرا گلشن، فاطمه امیری پری، ریحانه لطفی، معین الدین محمد تقی زاده، امین رضائی، الیاس پیراسته، عباس صفایی مهر.



درنگی بر نقش اجتماعی لوطیان عصر قاجاریه

سید حسین رضوی خراسانی *

مدرس دانشگاه فرهنگیان

(متولد ۱۳۴۴، شه میرزاد) فارغ‌التحصیل دکتری تاریخ از دانشگاه پیام نور تهران، مدرس دانشگاه فرهنگیان، مدرس مراکز ضمن خدمت فرهنگیان، عضو شورای برنامه ریزی درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی و عضو شورای تدوین سرفصل‌های درس تاریخ دانشگاه فرهنگیان است. تاکنون کتب و مقالاتی در حوزه تاریخ، به ویژه تاریخ اجتماعی، گاهشماری و جغرافیای تاریخی از او منتشر شده است. برخی از کتب چاپ شده وی عبارتند از: تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی بخش گاهشماری و تقویم و بخش جغرافیا سیر تحولات تاریخی سال ۱۳۸۵، تاریخ زندگی سال ۱۳۹۱، تاریخ تیموریان سال ۱۳۹۲، کتاب درسی تاریخ جهان باستان سال ۱۳۹۵، بخش تاریخ‌شناسی.



درآمد

درازی تاریخ جوانمردی دارد که آبشخور آن را در فرهنگ ایران باستان و رسم عیاری و قنوت دوره اسلامی می‌توان جستجو کرد. لوطیان در آشوب‌ها و جنبش‌های دوره قاجاریه از فعال‌ترین عناصر اجتماعی محسوب می‌شدند. برخی از آنان بر اساس یک سنت دیرین تکیه‌گاه فرودستان در برابر ستم فرادستان بودند. نگارنده سعی دارد با معرفی اجمالی گروه‌های لوطی، کارکرد لوطیان را به‌ویژه در حوزه شورش‌های اجتماعی موردنقد و بررسی قرار دهد.

سیطره تاریخ‌نگاری سنتی ایران به ضرورت، فقر تاریخ‌نگاری در حوزه‌های اجتماعی و طبقات فرودست جامعه را به‌دنبال داشته است. به همین روی مطالعات در حوزه تاریخ مردم از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از این گروه‌های اجتماعی لوطیان عصر قاجاریه هستند. «لوطی» و «لوطی‌گری» در فرهنگ و جامعه ایران، تاریخی دیرپا و کهن دارد. سرچشمه‌های آغازین و آرمانی این پدیده اجتماعی، عمری به

طبق مرام جوانمردی یا لوطی‌گری زندگی کنند. هر یک از آنان برای دستیابی به این عنوان می‌بایست به حمایت از ضعیف و مخالفت با ستم‌گد برافرازد، به وعده خود عمل کند و به راستی سخن گوید. جوانمرد می‌بایست نسبت به حطام دنیوی بی‌اعتنا باشد و از دوستان خود هیچ‌چیز را مضایقه نکند.^۱ به دنبال انحطاط بسیاری از نهادها، لوطیان نیز به دنبال انحطاط عیاران و اهل قنوت که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود در سرایش زوال قرار گرفتند اما در برزخ مردی و نامردی و جوانمردی و ناجوانمردی به زیست خود ادامه دادند. برخی از آنان به مرور به اوباش تنزل یافتند. برخی نیز جاودانه شدند.

لوطیان را به‌طور کلی می‌توان از منظر کسروی به دو گروه تقسیم کرد:

۱. لوطیان جوانمرد یا لوطی‌گرها، مشدی‌ها یا لوطیان خوش‌نام
۲. لوطیان بدنام و شرور.

اما این مرزبندی گاه‌وبیگاه شکسته می‌شد. گاهی لوطی‌شروری به اسطوره تبدیل می‌شد و گاهی نیز لوطی‌خوش‌نامی نام نیک خود را بر باد می‌داد. لوطیان جوانمرد یا خوش‌نام از چنان جاذبه‌ای در میان مردم و حتی نخبگان برخوردار بودند که در آثار خود از آنان به نیکی یاد کرده‌اند. کسروی می‌نویسد: «پیش از زمان مشروطه در شهرهای ایران گروهی به نام «لوتی» و «مشدی» خوانده می‌شدند که یک دسته خودسر و گردنکش می‌بودند. اینان به خودکامگی سرفروند نیاورده آزادی خود را نگه می‌داشتند و می‌باید گفت نیک و بد با هم می‌بودند، زیرا

در دوره قاجاریه گروه‌های متعددی از جامعه، موسوم و معروف به لوطی بودند؛ لذا ارائه یک تعریف جامع و مانع از گروه‌های لوطی با دشواری‌هایی روبروست. در این دوره افراد متعددی نظیر حیوان‌بازان، شیرگردان‌ها، میمون‌چرخان‌ها، خرس‌بازان، مارگیران، شعبده‌بازان و نوازندگان دوره‌گرد در جرگه لوطیان قرار دارند.^۲ از دیگر روی ناخوش‌نامانی مشهور به لواط‌کار، غلامبار، هرزه‌کار، قمارباز و شراب‌خواره را نیز در زمره این گروه قلمداد کرده‌اند.^۳ اما در بسیاری از فرهنگ‌ها لوطی و لوطی‌گری به معنای جوانمرد و جوانمردی، آزادی، بخشندگی، مسلک جوانمردانه، و نیز به معنای کسی که اهل سخاوت و علو طبع و بی‌باک و جسور آمده است.^۴ می‌توان این‌گونه برداشت کرد که واژه لوطی مشترک لفظی برای گروه‌های متعدد با کارکردها و آرمان‌های بعضاً کاملاً متفاوت بود. منظور نظر ما از لوطیان اشاره به گروهی در دوره قاجاریه است که نقش بسیار آرماتی آن‌ها را باید در عیاران و اهل قنوت دوره‌های پیش از قاجاریه جستجو کرد.^۵ صرف‌نظر از گروه‌های هنرمند موسوم به لوطی که اشارتی کوتاه به آن‌ها شد و منظور نظر ما نیستند، در واقع لوطیان یا طبقه معروف به داش و مشدی‌های دوره قاجاریه تشکیلاتی بودند از جریان نیرومند عیاری و قنوت^۶ که هنوز در برخی از آنان رگه‌هایی از آیین و ارزش‌های پهلوانی الهام‌بخش بود و ارزش‌هایی چون شجاعت، وفاداری و پاک‌دامنی و حفاظت از محله و شهر و عدالت آنان را شیفته و مجذوب خود می‌ساخت.^۷ اعضای این گروه در پی آن بودند بر



اما این مرزبندی گاه و بیگاه شکسته می‌شد. گاهی لوطی شروزی به اسطوره تبدیل می‌شد و گاهی نیز لوطی خوش‌نامی نام نیک خود را بر یاد می‌داد. لوطیان جوانمرد یا خوش‌نام از چنان جاذبه‌ای در میان مردم و حتی نخبگان برخوردار بودند که در آثار خود از آنان به نیکی یاد کرده‌اند.

کسروی رجبعلی مردی بدزبان و بیدادگر بود.^{۳۱} نادر میرزا شاهزاده قاجاری در حیرت از این همه محبوبیت می‌نویسد: «چون الهیار این کار بکرد تبریزیان سر افتخار به فلک سودند و او را تا بدین شهر بود هر شب با آن دوستان ضیافتها کردند و به مردی همی ستودند.»^{۳۲} به هر روی فقر و تنگدستی مردم از یکسو، ظلم و جور حاکم و والیان و مأموران پایین‌دستی حکومت نظیر، کلانتر و داروغه و فراشان سبب می‌شد که گردن کشی لوطیان واکنشی در برابر حکومت تلقی شود. به گونه‌ای که: «پدیده لوطی‌گری پدیده‌ای اعتراضی به ستم حاکمان بود.»^{۳۳} کشتن داروغه و کلانترها توسط لوطیان که با اراده خود و یا به تحریک دیگران انجام می‌شد امری نادر نبود، برای نمونه رجب مروی از لوطیان مشهد در شب ۲۹ رمضان ۱۲۶۴ قمری داروغه مشهد و حاج عبدالله متولی باشی و جمعی دیگر را به قتل رسانید.^{۳۴} یحیی‌خان، کلانتر کرمان، توسط لوطیان کشته شد^{۳۵} و یا محمدحسین خان نایب‌الحکومه اصفهان در مسجد به دست لوطیان کشته شد. نمونه‌های از این دست فراوان‌اند. در تمامی شورش‌های دوره قاجاریه لوطیان حاضرند. برای توجیه و تبیین حضور لوطیان در جنبش‌های اعتراضی و آشوب‌های اجتماعی دوره قاجاریه از نظریه کارکردگرایی پارسونز^{۳۶} و نظریه گزکارکرد یا بی‌کارکرد مرتن^{۳۷} بهره می‌گیریم. شالوده نظریه کارکردگرایی بر این اصل استوار است که ضرورت و وجوب وجود گروه‌ها، سنت‌ها و نهادهای اجتماعی و دوام و بقای آن‌ها به کار یا وظیفه‌ای است که در نظام اجتماعی کل بر عهده دارند.^{۳۸} در جامعه سنتی قاجاریه لوطیان

بسیاری از آنان غیرتمند می‌بودند که بیداد کدخدیان و فراشباشیان را بر نتافته آزادی و گردن‌فرازی را به بهای جان خریداری می‌شدند^{۳۹} سلحشوری و جسارت و بی‌باکی از ویژگی‌های بارز لوطیان محسوب می‌شد. یکی از دلایل محبوبیت لوطیان در میان فرودستان و ستم‌دیدگان جامعه، حمایت و حفاظت آن‌ها از سوی لوطیان بود. در جامعه عصر قاجاریه: «لوطی‌گری منشی برآمده از روابط اجتماعی برای کاهش فشاری بود که حکومت بر شهرنشینان فرودست تحمیل می‌کرد. لوطیان به یاری بازو و یا اسلحه» یا به پشتیبانی گروه‌هایشان، خود را در برابر مأموران حکومت سرکش و بی‌پروا نشان می‌دادند.»^{۴۰} حاج الهیارخان به واسطه کشتن رجبعلی داروغه مورد ستایش تبریزیان بود. به گفته

و سه تایی آخری در درجه دوم بود.^{۲۲} البته لوطیان کلاه نمادی بر سر می‌گذاشتند^{۲۳} اما شاید برای تمایز از دیگران به قول پولاک^{۲۴}: «لوطیان کلاه خود را یک ور می‌گذازند.»^{۲۵} این اشیاء خود نشانه‌هایی از یک سلسله آیین‌ها و اعتقاداتی بود که ریشه در سنت‌های دیرین داشت. بهار بر این باور است حمل چاقو در میان لوطیان معرف دشنه مهر است.^{۲۶} از دیگر کارکردهای لوطیان شرکت فعال در مراسم مذهبی به ویژه سوگواری بود. مستوفی می‌نویسد: «شک نیست که مصارف این عزاداری‌ها بالاخره از کیسه اعیان و مردمان توانا بیرون می‌آمد. ولی انصاف را اگر سعی و همت و فداکاری پیرای طبقه داش مشدی‌های تهران با آن توأم نمی‌شد، هیچ‌وقت منظره خارجی و عمومی این عزاداری به این طول و تفصیل و شکوه نمی‌رسید. گذشته از سینه‌زنی و دسته‌گردانی که عزاداری مخصوص این آقایان بود، تزئین طاق‌نماهای تکیه‌های محلات تماماً به سعی و همت این مردمان ساده و باایمان صورت می‌گرفت.»^{۲۷} یکی دیگر از کارکردهای لوطیان حضور و مشارکت در جدال و نزاع‌های فرقه‌ای در سلسله حیدری و نعمتی بود. لوطی‌ها از محلات شهر در برابر خشونت و تجاوز دفاع می‌کردند. نزاع بین محلات امری رایج بود. از دیگر کارکردهای لوطیان این بود که گاهی به‌عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی نظیر کلانتر و مجتهد وظایفی نظیر گردآوری مالیات و مالیات‌های شرعی نظیر خمس و زکات را بر عهده می‌گرفتند.^{۲۸} از دیگر کارکردهای لوطیان مبارزه با گران‌فروشی بود. گزارش‌هایی از دوختن گوش نانوائی به دیوار توسط

به‌واسطه شجاعت و سلحشوری که خصلت ذاتی آن‌ها محسوب می‌شد علی‌القاعده در جامعه و محلات شهر حضور پررنگی داشتند. در این دوره شهرها به محلات گوناگونی تقسیم می‌شد و افراد نسبت به شهر و محله‌ای که متولد و بزرگ شده بودند به شدت ابراز وفاداری می‌کردند. مردم هر محله به شیوه‌های گوناگون خود را از دیگر محلات متمایز می‌ساختند. این تمایزات هم جنبه فرهنگی و مذهبی و هم جنبه اجتماعی و اقتصادی و حتی طبیعی داشت.^{۲۹} گروه‌های لوطی اعم از جوانمرد و شرور در محلات مختلف شهر ساکن بودند. اما وظایف و کارکردهای مشخصی را بر عهده داشتند. عبدالله مستوفی می‌نویسد: «دستگیری از ضعیف، کمک به مردمان درمانده و عقیف و پاک‌دامن، تعصب کثی از افراد جمعیت و اهل کوچه و محله و بالاخره شهر و ولایت و کشور از اخلاق خاصه داشی بود.»^{۳۰} لوطیان هر محل نسبت به محلات خود بسیار متعصب بودند و در مکان‌هایی به نام پاتوق تحت نظارت باباشمل و لوطی‌باشی محل با لباس و ظاهری متفاوت حضور داشتند. آن‌ها به‌واسطه نوع لباس و کفش خود در تبریز به پاشنه کشیدگان مشهور بودند.^{۳۱} همچنین به یقه‌چرکینان نیز شهرت داشتند زیرا آنان به یقه‌چرکینی افتخار می‌کردند.^{۳۲} شاید کسی به‌خوبی مرحوم مستوفی لباس و هفت وصله لوطیان را گزارش نکرده باشد. این هفته وصله عبارت بودند از: «زنجر بی سوسه بزدی، جام برنجی کرمانی، دستمال بزرگ ابریشمی کاشانی، چاقوی اصفهانی، چپق چوب عناب یا آلبالو، شال لامر الف لا و گیوه تخت نازک که چهارتای اولی حتی



یکی دیگر از کارکردهای لوطیان حضور و مشارکت در جدال و نزاع‌های فرقه‌ای در سلسله حیدری و نعمتی بود. لوطی‌ها از محلات شهر در برابر خشونت و تجاوز دفاع می‌کردند. نزاع بین محلات امری رایج بود.

قطع شد. موضع مثبت او در برابر مشروطه و شجاعت فراوانش سبب شد علی‌اکبر دهخدا در شماره ۱۹ صوراسرافیل درباره او بنویسد: «کمتر کسی است که در پایتخت شمه‌ای از شرح حال شجاعت و غیرت و جوانمردی سرکار والا عزیز میرزا معروف به آقا عزیز را نشنیده باشد، ... لشگرهای شکسته استبداد در هر موقع خواستند اظهار حیات و تجدیدقوا کنند به وسایل عدیده و مبالغ گزاف در صدد همدست کردن این مرد غیرتمند وطن‌دوست برآمدند و او به واسطه همان، صفات حسنه از همه عطایای ننگ آمیز گذشت و پا از دایره انسان دوستی بیرون نگذاشت و ... ما روزنامه‌نگاران به جای آنکه همه‌روزه از فلان خائن تمجید کنیم و فلان مستبد را در ردیف اولیاء قدم بدهیم اقلأً گاهی از مزایای این مرد و اخلاق حسنه او ذکری کرده باشیم»^{۳۳} «جمال‌زاده از لوطیانی زورخانه‌کار در اصفهان نام می‌برد که در عصر

یک لوطی، به جرم گران‌فروشی وجود دارد.^{۳۲} این کارکردها لزوم حضور لوطیان را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی عینیت می‌بخشید. گذشته از اشارات فوق وجود یک سلسله تعالیم اخلاقی که منشأ آن‌ها را باید در فتوت نامه‌ها جستجو کرد سبب می‌شد، جایگاه پرنفوذتری در میان مردم به دست آوردند. رهبران لوطیان می‌کوشیدند از اصول و تعالیم بزرگ‌منشانه‌ی جوانمردی و لوطی‌گری پیروی کنند و بخصوص سعی‌شان بر آن بوده که نشان دهند به وعده‌های خود وفادارند، راست‌گویند، قرض‌هایشان را می‌پردازند و در زمان نیاز به دوستان یاری می‌رسانند.^{۳۴} وجود این جذابیت‌ها در این منش اجتماعی سبب بود اشخاصی حتی از گروه‌های اعیان و شاهزادگان و تجار وارد این تشکیلات شوند.^{۳۵} از برجسته‌ترین این افراد حاج کاظم ملک التجار، شاهزاده عزیز و شاهزاده امیر اعظم بودند.^{۳۶} افضل الملک در باب انگیزه ذکر نام و سرگذشت لوطی عزیز پامناری، لوطی بلندآوازه تهران می‌نویسد: «من در شرح حال بعضی از وزرا بیان زیاد ندارم و در حق این جوان که با منش آشنای نیست، شرح ویسط می‌دهم، که اسم او در تاریخ بماند.^{۳۷} راقم این‌سطور قصد ندارد هاله تقدس بر گرد افرادی کشیده و آن‌ها را مصون از خطا جلوه دهد، تنها قصد ما بیان کردن ویژگی‌های این گروه و قضاوت معاصران آن‌ها و مردم عصرشان درباره آن‌هاست. به‌عنوان مثال لوطی عزیز پامناری در خانه خود قمارخانه داشت و همه‌کس به او باج می‌دادند.^{۳۸} اما رشادت و جوانمردی و آزادی او غیرقابل انکار است. دستان او به دستور ناصرالدین‌شاه

میگوید^{۲۲} آن‌ها را جماعتی فاقد معنویت و ناامید و مجرم و غالباً بیکار توصیف کرده است.^{۲۷} آشر^{۲۸} نیز آن‌ها را جماعتی دزد و جیب‌بر و بیکار و دغل‌یاد می‌کند.^{۳۰} این گروه از لوطیان عموماً توسط اصحاب قدرت اعم از خانواده‌های بانفوذ، سیاستمداران و علمای مذهبی در جهت مطامع سیاسی و اقتصادی و بعضاً مذهبی به کار گرفته می‌شدند. بینینگ^{۳۱} معتقد است آن‌ها برای هر جماعتی اجبر می‌شدند و خود را در فعالیت‌هایی



ستارخان و باقرخان در زمره لوطیانی بودند که نام آوازه آن‌ها از محله‌های تبریز و کشور گذشت و جهانی شدند، و بقول نویسنده مجاهدان مشروطه: «او (ستارخان) مظهر مبارزه با حکومت خودکامه و نماد آزادی‌خواهی ایرانیان شد عکس‌های وی را در پایتخت استبدادزده پنهانی می‌فروختند و او را پدر ملت می‌شناختند.»

ناصری و حکومت ظل‌السلطان بسیار محبوب بوده و همواره در جهت جلوگیری از ظلم بی‌حد مأموران دولتی از مردم حمایت می‌کردند نظیر حاج معصوم، نایب محراب‌خان و یدالله زراب^{۳۲}. ستارخان و باقرخان در زمره لوطیانی بودند که نام آوازه آن‌ها از محله‌های تبریز و کشور گذشت و جهانی شدند و بقول نویسنده مجاهدان مشروطه: «او (ستارخان) مظهر مبارزه با حکومت خودکامه و نماد آزادی‌خواهی ایرانیان شد عکس‌های وی را در پایتخت استبدادزده پنهانی می‌فروختند و او را پدر ملت می‌شناختند.»^{۳۳} لوطیان پرآوازه‌ای مانند مهدی یوزباشی معروف به گاو کش به واسطه جلال با ایادی استبداد محمدعلی شاه در روزنامه وقت پایتخت نظیر مجلس و توسط مورخان چون ناظم الاسلام کرمانی و کسروی ستایش و ستوده شدند.^{۳۴} بخشی از لوطیان دوره قاجاریه تدلی‌کننده قلدری، زورگویی و شرارت بودند و درزد و بندهای سیاسی پشت پرده اصحاب قدرت آلت فعل آن‌ها محسوب می‌شدند. برخی از سیاحان غربی گزارش‌های جالبی درباره این دسته از لوطیان ارائه داده‌اند. بروگش^{۳۵} یادآور شده که مخوف‌ترین محله‌های بیش‌تر شهرهای ایران محله‌های لوطی‌ها یا به قول او آدم‌های بیکار و بی‌عاری است که به صورت گروهی و دسته‌ای به کارهای بودار و مشکوک می‌پرداختند.^{۳۶} او می‌نویسد: «در کوچه و بازار به کرات شاهد مشاجرات بودم که به گلاویز شدن و کتک‌کاری خشونت‌آمیز و به کار بردن کارد و قمه انجامیده است.»^{۳۷} البته سیاحان غربی گروه‌های اوپاش را به‌طور کلی لوطی قلمداد کرده‌اند.

کارگران، ناطورها (نگهبان باغ و کشتزار)، سقاها، جمال‌ها، هیزم‌شکن‌ها، سله‌کش‌ها^{۵۱}، قاطرچی‌ها، شاطرها، ناوکش‌ها^{۵۲}، پيله‌ورها^{۵۳} و مزدوران کارهای موقتی و بخصوص خیل بیکاران تشکیل می‌دادند.^{۵۴} در پایان سه نکته را یادآور می‌شویم که به گمان ما اهمیت دارد. نخست اینکه این شرارت‌ها زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی داشت. فقر و بیکاری نابودی صنایع دستی و ستم شدید عمال حکومت یکی از دلایل اجتماعی این شرارت‌ها بود. جیمز ویلسون^{۵۵} رفتار داروغه و مأموران حکومتی را با زندانیان بسیار بد توصیف می‌کند.^{۵۶} جامعه‌شناسان معتقدند جامعه در برابر چنین فشارهایی به کج روی و هنجارشکنی تمایل نشان می‌دهند. مرتن^{۵۷} از پایه‌گذاران نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^{۵۸} یا بی‌هنجاری معتقد است بی‌هنجاری فشاری است که هنگام ستیز اهداف و هنجارهای پذیرفته جامعه با واقعیت‌های اجتماعی وارد می‌آید.^{۵۹} نکته دوم اینکه با حذف و کم‌رنگ شدن کارکردهای سنتی لوطیان تحت تأثیر عواملی چون توسعه پلیس و نظمی، افزایش قدرت مرکزی، توسعه سیستم‌های اداری و شیوه‌های جدید دریافت مالیات و رشد فزاینده بیکاری و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی زمینه برای بروز کج کارکردهای لوطیان فراهم شد. به‌مرور با افول آرمان‌های عدالت‌خواهانه و انحطاط و فقدان معنویت کم‌کم همه قسم افراد تبهکار، دغل و دزد در میان اقشاری از لوطیان و لوطیان شرور راه یافتند. در جامعه استبدادزده قاجاریه که افراد از هیچ‌گونه پشتیبانی قانونی برخوردار نبودند و جان و مال و حیثیت آنان در معرض تهاجم اصحاب

درگیر می‌کردند که اعمال برادرانه، هشیارانه و مجرمانه در آن‌ها بندرت قابل تشخیص از یکدیگرند.^{۶۰} به اعتقاد ما این اظهارنظر بسیار دقیق، موشکافانه و عالمانه است. زیرا تشخیص عمل این افراد در مواقع مختلف متفاوت بود. یک لوطی ممکن بود در مرحله‌ای دیگر دزد و غارتگر اما در مرحله خود جسور و بی‌باک و بسیار فداکار باشد و برای اهالی محله خود سمبل شجاعت و اسطوره فداکاری. بروکش در مورد لوطی‌ها می‌نویسد: «لوطی‌ها دائماً درصدد سوءاستفاده‌اند و به‌محض آن‌که موردی برای یک اعتراض پیش آید و دکان‌ها و بازارها بسته شوند، آن‌ها دور هم جمع می‌شوند و به راه می‌افتند و شروع به غارت مردم و حمله به خانه ثروتمندان می‌کنند.»^{۶۱} او در بیان وسعت قدرت لوطیان معتقد است، طبقه لوطی در شهرهای ایران قدرت و نفوذی بی‌مانند دارد آن‌ها در شهر فعال ما پشاه‌اند و هر کاری که بخواهند می‌کنند.^{۶۲} اورسل نیز این دسته از لوطیان را بدمست و بیکار و جسور و گستاخ معرفی می‌کند.^{۶۳} در عین حال او از خودگذشتگی، شهامت و جوانمردی این گروه از لوطیان را، ستایش می‌کند و معتقد است این ویژگی در کمتر کسی دیده می‌شود.^{۶۴} مطالعات نشان می‌دهد که به دلیل ناپسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی روزبه‌روز بر تعداد اوباشان شهری و لوطیان شرور افزوده می‌شد. افزایش مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ نظیر تهران، شیراز و اصفهان و تبریز، فروپاشی صنایع پیشه‌وری و رشد بیکاری از عوامل رشد جمعیت این افراد بود.^{۶۵} بسیاری از این دسته از لوطی‌ها ممکن بود از زحمتکشان مزدبگیر مثل

- ۷۷: اوین لوژن، ایران امروز، سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران، ترجمه و حواشی علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲، صص ۲۴۴-۲۵۲.
۴. لغت‌نامه، همان: علمی اکبر نفیسی (ناظم‌الاطباء) فرهنگ نفیسی، تهران، خیام، ۱۳۷۵، ج ۴، صص ۲۹۹؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۳۶۵۲.
۵. همان.
۶. ان.ک.س، لمتون، نگرشی بر جامعه اسلامی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، بی‌تا، صص ۱۸.
7. Fottovvat
۸. ونسا مارتین، عهد فاجار، مذاکره، اعتراض و دولت در ایران، ترجمه حسن زنگنه، تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۰، صص ۱۴۹؛ عبدالحسین زرین‌کوب، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷، صص ۱۷۰ و نیز بنگرید به:
- A. K. S. lamton, Islamic society, axford, 1945, P.262; Bo-inin, Michaela and keddie, Niki, *Modern Iran, the dialectics of countinty and chang*, Published by university of NewYork press, 1981, P. 83.
۹. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۴۴۵؛ ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، ابوالقاسم سری، توس، ج ۱، صص ۲۵۴.
۱۰. این اصطلاح را اولین بار ویلم فلور در جستارهایی از تاریخ ایران به‌کاربرد که برگرفته از واژه «لوطی‌گری» یا جوانمردی است.
۱۱. با این اهلا آورده است.
۱۲. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱، صص ۱-۴۹۰.
۱۳. سهراب یزدانی، مجاهدان مشروطه، تهران، نشرنی، ۱۳۸۸، صص ۳۱.
۱۴. کسروی، همان، ۴۹۱.
۱۵. نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، مقدمه، تصحیح و تحشیه، غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ستوده، ۱۳۷۳، صص ۳۰۵.
۱۶. یزدانی، همان، صص ۳۱.
۱۷. محمدجعفر خورموجی، حقایق الاخیار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، نشرنی، ۱۳۶۳، صص ۷-۴۶.
۱۸. شیخ یحیی احمدی، فرماندهان کرمان، تهران، علم، ۱۳۷۰، صص ۲۹۷. احمد علی خان وزیری، تاریخ کرمان، مصحح، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۸۵، صص ۸۱۳.
19. Parsons
20. Merton
۲۱. تیم دیلنی، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهزنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشرنی، ۱۳۸۸، صص ۲۵۳؛ آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۸۷، صص ۵۵۵؛ جرج ریترز، نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر، ترجمه قدرت قرار داشت، لوطیان و لوطی‌گری منشی بود که با فشار بر حکومت موجبات کاهش ستم بر مردم را فراهم می‌آوردند.^{۲۶} یکی از بارزترین کژکارکردهای لوطیان برای فشار بر حکومت ایجاد شورش بود. حکومت به خاطر هزینه‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از بی‌نظمی از آن وحشت داشت. نیروی رزمنده بسیاری از شورش‌های دوره قاجاریه، لوطیان بودند و برای هماوردی و نبرد با نیروهای نظامی و بی‌رحم دولتی عنصری حیاتی محسوب می‌شدند.^{۲۷} به قول فلور جامعه ما قبل صنعتی ایران از جهت ایجاد شورش به لوطیان نیازمند بود.^{۲۸} شاید بتوان این وضعیت را با این کلام کاتوزیان کامل کرد: «دولت غیرمستول و جامعه متمرد دو روی یک سکه‌اند.»^{۲۹} و نکته آخر اینکه اصحاب قدرت اعم از حکومت، نیروهای مذهبی و روحانیت، نیروهای سیاسی، اعیان و اشراف در زد و بندهای سیاسی و جدال قدرت به‌خوبی از نیرو و توان لوطیان در جهت امیال و اهداف خود سود می‌بردند، در این باب به مقالات حقیر و همکاران در باب شورش لوطیان اصفهان در دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و نقش لوطیان تهران در حوادث مشروطه^{۳۰} مراجعه نمایید. امید آن دارم در مجال دیگر روایتگر ابعاد دیگری از این پدیده اجتماعی عصر قاجاریه باشم.
۱. Luti
2. Lutigari
۳. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱۱، ۱۳۷۲، صص ۱۷۴۹؛ جیمز فریزر، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران توس، ۱۳۶۴، صص ۱۹۳؛ موریس دوکونز بونه، مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸، صص ۸-۸.

50. Binning

۵۱. پیتراوری (سرپرستی) تاریخ کمپوچ، تاریخ ایران دوره افشاریه، زندیه و قاجاریه، ترجمه مرتضی نایب فر، تهران، جامی، ۱۳۸۸، ص ۵۸۹.
۵۲. بروگش، همان، ص ۱۸۷.
۵۳. همان.
۵۴. ارنست اورسل، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰.
۵۵. همان.
۵۶. یزدانی، همان، ۲۸؛ جان، فوران، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸؛ فراه، نعمانی، توسعه صنعت در دوره قاجار و اثر غرب بر آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ص ۵۰.
۵۷. کسانی که سید میوه بر سر حمل می‌کنند.
۵۸. کارگران ساختمانی که گل در ناله چوبی بروش خود گذاشته و حمل می‌کردند.
۵۹. فروشندگان کم‌مایه دوره‌گرد.
۶۰. غلامرضا انصاف پور، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه روی تهران، اختران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴.

61. Jems Wilson

۶۲. چارلز جیمز ویلسون، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه، مهرداد نیکنام، تهران، زرین، ۱۳۶۳، صص ۷-۸۳.

63. Robert Ky Merton

64. Sociology of Deviance

۶۵. گیدنز، همان، ۱۴۰؛ بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس، غلامعباس توسلی و غلامعباس فاضل، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ص ۱۴۷.
۶۶. یزدانی، همان، صص ۳۰-۳۱.
۶۷. همان.
۶۸. فلور، همان، ص ۲۷۷.
۶۹. محمدعلی همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز، ۱۳۷۹، ص ۲۴.
۷۰. سید حسین رضوی خراسانی و همکاران، «لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره مشروطیت»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن ایرانی تاریخ، سال ششم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۴؛ سید حسن، رضوی خراسانی، و همکاران، «لوطیان و نقش آنان در آشوب‌های اصفهان بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ قمری»، دوره ۳ سال دوم، پیاپی و بهار و تابستان، ۱۳۹۴.

محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۸۲، صص ۷-۱۴۴؛ حسین ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد، نشر مژده، نشر بامشاد، ۱۳۸۲، ص ۶۷.

۲۲. ویلم فلور، ص ۲۷۷.
۲۳. عبدالله مستوفی، ج ۱، ص ۴۴۵.
۲۴. کسروی، همان، ۳۹۳.
۲۵. میرزا غلامحسین افضل الملک، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه، (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۲۷۹.
۲۶. عبدالله مستوفی، همان، صص ۶-۴۴۵.
۲۷. افضل الملک، همان، ص ۲۷۸.
28. Poluk
۲۹. یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۳۸.
۳۰. مهرداد بهار، جستاری در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶.
۳۱. مستوفی، همان.
۳۲. ویلم فلور، همان، ص ۲۸۱؛ حاج سیاح، خاطرات، ابن سینا، ۱۳۶۶، ص ۵۴.
۳۳. ناصر نجمی، طهران عصر ناصری، عطار، ۱۳۷۰، ص ۵۶۲.
۳۴. ونسا مارتین، همان، صص ۵۰-۱۴۹.
۳۵. مستوفی، ج ۱، صص ۱-۴۵۰.
۳۶. همان.
۳۷. افضل الملک، ص ۲۷۸.
۳۸. همان.
۳۹. روزنامه صور اسرافیل، ش ۱۹، ص ۵.
۴۰. سید محمدعلی جمال‌زاده، سروه به کرباس، تهران، به کوشش علی دهباشی، سخن، ۱۳۸۹، صص ۹۱-۲۸۵.
۴۱. یزدانی، همان، ص ۸۹.
۴۲. روزنامه مجلس، ۱۳۲۴، شماره ۱۵۳، ص ۲؛ محمد ناظم الاسلام کربنایی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۲، صص ۵-۱۵۴؛ کسروی، همان، ۹۶.
43. Brugsch
۴۴. مارتین، ص ۱۴۶.
۴۵. هنریش بروگش، در سرزمین آفتاب، ترجمه مجید جلیوند، تهران، مرکز، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱.
46. Migood
۴۷. فلور، همان، ص ۳۷۰.
48. Ussher
۴۹. مارتین، همان، ص ۱۴۶.